

میراث جهانی

# کولونیا دل ساکرامنتو و خاطرات گذشته پر آشوب ادوارد بلبی



بندر اوروگوئیایی کولونیا، که زمانی یکی از درّهای نظامی

پرتغال بود، گنجینه یادمانهایی است که از تاریخ

سراسر واقعه‌اش به جای مانده است

نخستین دریانورد اسپانیایی که در ۱۵۱۶ وارد ریو دلپلاتا شد خوان دیاس د سولیس بود. سپس اسپانیاییها، انگلیسیها، فرانسویها و هلندیها، محرمانه و قاچاقی دل به دریای دهانه رود زدند و به امید بهره‌گیری سریع و تبدیل شدن به منبع تجاری، گله‌های خود را در این سرزمین ناشناخته پیاده کردند. اما دیری نپایید که با پرتغالیها، که در پی گسترش قلمرو خود تا جنوب برزیل بودند، سرشاخ شدند. در ۱۶۸۰، نایب‌السلطنه پرتغال، دون پدرو، فرمان بنیانگذاری کولونیای ساکرامنتو را صادر کرد.

اما اسپانیاییها در حالی نبودند که چنین چیزی را بپذیرند و با وجود قهرمانیهایی که خوانا گالواثو از خود نشان داد، این شهر نوینیا در همان سال به دست اسپانیاییها افتاد. گالواثو پس از مرگ شوهرش، که وظیفه دفاع از دژ نظامی را به عهده او نهاده بود، رهبری لشکریان را به دست گرفت. بعدها کولونیا دل ساکرامنتو بارها در نتیجه پیمان‌نامه‌ها یا جنگها دست به دست شد، و تقریباً هر بار ویران و از نو ساخته شد. وضع چنین بود تا در نیمه اول قرن هجدهم که کولونیا از حکومت بیست و هفت‌ساله بی‌وقفه فرماندار پرتغالی واحدی به نام آنتونیو پدرو دو واسکونسلوس بهره‌مند شد. در این دوران (۱۷۴۹-۱۷۷۲)، نمونه‌های اعلیٰ معماری شهری و نظامی (که نمونه‌های باقی‌مانده آن را امروز می‌توان ستود) به شهر شکوه

ساکرامنتو در ۱۶۸۰ بنا نهاده شد. دو قدرت استعماری اسپانیا و پرتغال در چشم و همچشمی با یکدیگر در سراسر این شهر کوچک بناهای خود را پراکندند؛ و اکنون آمیزه غریب این دو سبک معماری بازتاب‌دهنده گذشته پر آشوب این شهر است. هم از این روست که یونسکو در دسامبر ۱۹۹۵ این محل را در فهرست میراث جهانی وارد کرد.

امروز کولونیا دل ساکرامنتو، که سالانه دهها هزار جهانگرد از آن دیدن می‌کنند، شهری خواب‌آلود است، به دور از قیل و قال زندگی امروز. شبها از بام آن می‌توان چراغهای سوسوزن بوئنوس آیرس را دید، شهری که در ۱۶۸۰ نخستین هیئت‌اعزامی اسپانیایی برای گرفتن کولونیای ساکرامنتو، که بعدها یکی از دژهای نظامی پرتغال شد، از آنجا گسیل شد.

### کعبه آمال

پرتغال و اسپانیا تقریباً صدساله بر سر تسلط بر ریو دلپلاتا، که اهمیت راهبردی داشت، جنگیدند. از طریق دهانه همین رود بود که سنگهای قیمتی و پوست حیوانات از بولیوی، و نیز فلزات گرانبهای پرو، پس از کیلومترها سفر در طول پرانا و اوروگوئه به اروپا راه پیدا می‌کرد. و از همین آبراهه، اما از سوی دیگر آن بود که اسپانیا و پرتغال - غالباً قاچاقی - کالاهای را به اعماق قاره صادر می‌کردند. در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که

دهانه رودخانه ریو دلپلاتا، به پهنای ۲۸۰ کیلومتر، در درون قاره آمریکای جنوبی میان آرژانتین و اوروگوئه رخنه کرده است. به درون قاره که پیشروی کنیم، آنجا که رودهای پارانا و اوروگوئه به هم می‌پیوندند، باز هم دو ساحل آنها ۵۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند. در آنجاست که بر شبه‌جزیره‌ای در جنوبیترین نقطه اوروگوئه، بر لبه علفزار جلگه پهناور آمریکای جنوبی، کولونیای

خیابان آه  
(کایه د لوس سوسپیروس)  
با آبهای مواج  
ریو دلپلاتا در  
پسرمینه آن.



دژها و شهر جدید آن را تنگ در میان گرفته‌اند، شهر پرتغالی سابق نوا کولونیا دو سانیسیمو ساکرامنتو را دربر می‌گیرد و در حدود ۱۶ هکتار از ساختمانهایی را که از لحاظ سبک، تنوع بسیار زیادی دارند شامل می‌شود. شهر آرایش غریبی ندارد. برخلاف بسیاری از دیگر شهرهای مستعمراتی اسپانیا و پرتغال که با طرح شطرنجی ساخته می‌شوند، این دژ طرح جدولی زیگزاگ را دارد. علت تاحدی موقعیت جغرافیایی محل و تاحدی این بوده که جهت باد منحرف شود - زیرا که رودخانه دلا پلاتا در معرض تندبادهای سهمناک است.

پلاتزا مایور که در آغاز این قرن با پنج نخل سلطنتی و دو درخت سدر تزیین شد سر به دامن ریو دلا پلاتا دارد. پلاتزا مایور، با باغهای ملی و خانه‌های باشکوه و زیبای قرن هجدهمی‌اش، برخی از جاذبه‌های گذشته روستایی خود را حفظ کرده است. ساختمان کوچک شماره ۱۸۰، با دیوارهای سنگی ضخیمش، موزه پرتغالیها را در خود جای داده است. کاشیهای لاجوردی آن، اثاثیه‌ای که از چوب جاکاراندا (درخت گرانبهای ناحیه امریکای جنوبی با چوب محکم و معطر) ساخته شده است و پارچه‌ها و ظروف آشپزخانه یادگارهایی است از دوران ارتباط طولانی کولونیا دل ساکرامنتو با حکومت سلطنتی پرتغال. کمی این سوتر، خیابان کوچک کایه د لوس سوسپیروس (خیابان آه) است که در سکوت به سوی دهانه رودخانه امتداد می‌یابد. در کنار خیابان جویی است که آب باران از سنگفرش ناهموار خیابان بدان می‌ریزد و در کنار جوی خانه‌های دهقانی آغاز قرن هجدهم ردیف شده‌اند. موزه اسپانیاییها، سرایی که نمایش‌دهنده و ثابت‌کننده حضور اسپانیاییها در شهر است، چندان موقعیت مرکزی ندارد.

شاید جالبترین موزه از موزه‌های هفتگانه کولونیا موزه شهرداری باشد که زمانی اقامتگاه آدمیرال ایرلندی، ویلیام براون بود. او در استقلال اوروگوئه نقش قهرمانانه‌ای را بازی کرد. این موزه کاملترین مجموعه اسناد مربوط به تاریخ شهر را به نمایش گذاشته است. مهمتر از ۵۰۰۰۰ سند جورواجور اسپانیایی و



کلیسای اواخر قرن هفدهم، مقدسترین مکان کولونیای ساکرامنتو کهنترین بنای اوروگوئه.

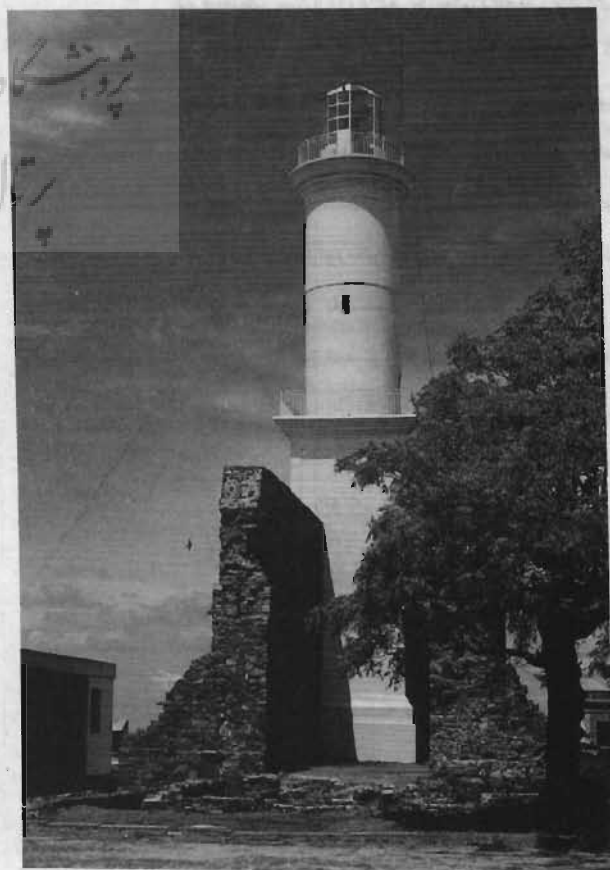
بخشید. از لحاظ فرهنگی و تجاری هم به اوج شکوفایی خود رسید و جمعیت آن نیز دو برابر ساکنان شهری چون مونته ویدئو شد که در ۱۷۲۶ اسپانیاییها آن را بنا نهاده بودند.

#### «گذشته را دستکاری نکنیم»

در آغاز دهه ۱۹۶۰ گروه کوچکی از علاقه‌مندان به تاریخ اوروگوئه حکومت و شورای شهر را ترغیب کردند که منابع مالی و مادی لازم را برای حفاظت منطقه فراهم آورند. برخی از مالکان خانه‌ها موافقت کردند که خانه‌هایشان را بفروشند و کار حفاظت آغاز شد.

در ژانویه ۱۹۹۱، گروهی از باستان‌شناسان محل دقیق قصر فرماندار و اسکونسولوس را تشخیص دادند. این کشف و کارهای بعدی در محل به تأسیس نخستین آزمایشگاه باستان‌شناسی تاریخی در مونته ویدئو انجامید. خانم نلسیس فوسکو زامپتو لیریس، یکی از انسان‌شناسان و باستان‌شناسان اداره میراث ملی، با هرگونه بازسازی مخالف است. او می‌گوید «بگذارید سنگهای قدیمی همین‌طور که هستند باقی بمانند. گذشته را نباید دستکاری کرد مگر اینکه بخواهیم آن را به خوبی نشان بدهیم»

این منطقه باستانی، که ویرانه‌های



بقایای صومعه سان فرانسیس خاویر در کنار فانوس دریایی کولونیا.

# موسیقی

در گفتگو با ایرابل لیماری

## دیوید سانچز

پورتوریکو دارای سنت موسیقایی قدرتمندی است که پیشینه آن به اوائل دوران استعماری بازمی‌گردد. در آغاز قرن بیستم، این جزیره چنان مجموعه‌ای از نوازندگان پرقریحه داشت که جیمز ریز یورپ، هنرمند پیشتاز موسیقی جاز و رهبر گروه افرو- امریکن، نوازندگان بخش سازهای بادی خود را در جاهای مختلف، از جمله در سان خوان، پایتخت کشور از میان آنها انتخاب می‌کرد.

تا اواخر دهه ۱۹۶۰ موسیقی پورتوریکو در خارج از این جزیره نسبتاً ناشناخته بود، اما از آن پس نسل تازه‌ای از نوازندگان سربر آوردند. دیوید سانچز، ساکسیفون نواز جوان و یکی از تواناترین آهنگسازان و نوازندگان موسیقی جاز امروز، ستاره‌ای است در این کپکشان که جووانی هیدالگوی طبال و جان بینتیز باس نواز را هم که سانچز غالباً با او برنامه اجرا می‌کند، در خود جای داده است.

### ■ تأثیر موسیقی سیاهان بر موسیقی پورتوریکو -

هم موسیقی سنتی آن و هم موسیقی رقصش مثلاً در سالسا - خیلی زیاد است. این تأثیر در شیوه نوازندگی شما و آهنگهایتان آشکار است. بلوزهای بامبا در آخرین اثر ضبط شده شما، به نام *Sketches of Dreams*، بلوزها را با بامبا به هم آمیخته و در پورتوریکو نوعی موسیقی الهام یافته از آشناتی - و بانو، به وجود آورده است.

د. س.: ۹۰ درصد موسیقی پورتوریکو ریشه در موسیقی سیاهان دارد. البته منظورم موسیقی بامباست، اما موسیقی دورگه‌تر *Plena* که توسط چند دایره زنگی نواخته می‌شود و پس از جنگ اول جهانی پدیدار شد، و موسیقی *danza* از موسیقی رقصهای کهن مثل مینوئه مایه گرفته است، و هنگامی که در قرن هجدهم به منطقه کارائیب راه یافت، ضرب‌گردانی (*Syncopation*) آفریقایی را بر آن افزود. این ریشه‌های سیاه تأثیر غالب دارد. هر

پرتغالی و مجموعه متنوع اسباب و اثاثیه مستعمره‌نشینان، توپ و مسلسلها و حیوانات گاه‌آجین، تعدادی ظروف آشپزخانه و اسلحه‌هایی است که سرخپوستان چاروا آنها را به کار می‌بردند. استعمارگران این شکارچیان و غذا گردآوران سابق منطقه را یا قتل‌عام کردند یا پراکندند.

### کاخ فرماندار

کلیسای بسیار مقدس ساکرامنت (ایگلیزیا ماتریس دل سانتیسیمو ساکرامنتو) کهنترین کلیسای اوروگوئه است. از زمان بنیانگذاری این کلیسا در اواخر قرن هفدهم بخشهایی از این کلیسا چندین بار ویران شده است. عظیمترین خسارت در سال ۱۸۲۳ بر آن وارد آمد که مخزن کلیسا که از آن همچون انبار مهمات استفاده می‌شد منفجر شد. از آن پس، گرچه عملیات بازسازی نیز انجام شده است، اما بنا دیگر یکدستی سبک معماری اصیل خود را از دست داده است. با این حال، شبستان کلیسا آثار هنری ستایش‌انگیزی را دربرگرفته است. از جمله این آثار تکه‌ای از محراب مربوط به قرن شانزدهم، نقاشی خانواده مقدس و مجسمه فرانسویس قدیس (سان فرانسویس آسیزی)، ساخته شده از چوب کائوبای پاراگوئه‌ای، متعلق به قرن هفدهم است. تنها اجزای کلیسای اصلی که باقی‌مانده است ستونهای آن است که تاریخ آن به ۱۶۹۵ بازمی‌گردد.

باستان‌شناسان به این نتیجه رسیدند که محل کاخ واسکونسولوس فرماندار پرتغالی میان همین کلیسا و پلاتزا مایور بوده است. از خود ساختمان چیزی باقی نمانده است، اما با کنار هم چیدن و مرتب کردن نقشه‌های زمینی متعلق به دوران استعماری می‌توان دیوارهای بیرونی آن را مشخص کرد و طرح یکدیوارها و حداثها را بر سطح زمینی به مساحت ۱۰۰۰ مترمرب مشخص کرد.

با وجود پژوهش و حفاریهای بسیار هنوز هم رازهای گذشته پراشوب شهر کهن کولونیا دل ساکرامنتو به هیچ روی به تمامی آشکار نشده و هنوز بسیاری چیزها مانده که باستان‌شناسان باید آن را کشف کنند. ■